



ماجرای ترازوی سوسه سالکان اندک پوزیشن
مدیر مسئول: محمود جویری سرویس: باقره جویری
تلفن: ۰۲۶-۳۳۳۳۳۳۳۳-۳۳۳۳۳۳۳۳
۳۳۳۳۳۳۳۳-۳۳۳۳۳۳۳۳
انتهای در طرح لایحه کونی وزارت فرهنگ و ارشاد
اسامی: FVIA
چاپ: کارگر

کشته غمزه خود را به زیارت دریا
زان که بپاره همان دلنگران است که بود
رنگ خون دل ما را که نهان می‌داری
همچنان در لب لعل تو عیان است که بود

سلسله موی دوست حلقه
دام بلاست
هر که در این حلقه توست
فرار از این ماجراست
سعدی



انگ صبح ۵:۳۸ طلوع آفتاب ۱۲:۲۰ انان ظهر ۱۲:۴۶ غروب آفتاب ۱۷:۵۵
برگه کسی که سکوت را دسرک نمی‌کند، احتمالاً حرفت را هم نمی‌فهمد...
البرت هابرد

گزارش روز



یک کارشناس آموزش اعتقاد دارد وقتی به گزارش‌ها می‌بینیم بخشی قابل توجهی از یادداشتی‌ها و حتی جان‌باختگان ۱۸-۱۷ ساله هستند باید توجه داشته باشیم که این‌ها تحت تأثیر هیجانات هستند نه تحلیل سیاسی. این مسأله به یک چالش جدی برای کشور بدل شده است؛ چالشی که سال‌ها ناپدید گرفته شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از اطلاعات برخی از کسانی که در اعتراضات و ناآرامی‌های اخیر در شهرهای مختلف شرکت داشتند، نوجوانان و دانش‌آموز بودند. دختران و پسرانی به خیابان آمدند که هنوز لباس مدرسه به تن دارند. در واقع آن‌ها نیز به وضع موجود معترضند اما با متعلق و انتقارات نسلی که به‌عنوان حسل زده شناخته می‌شود برخی از این نوجوانان هنوز نمی‌دانند دقیقاً چه می‌خواهند و اعتراض برایشان بیش از آن که مبتنی بر هذنی روشن باشد، به فرصتی برای تخلیه خشم فروخورده بدل شده است. این تخلیه روانی، گاه به آسیب به خود، رویارویی با نیروهای انتظامی و امنیتی یا بیرون رفتن‌هایی می‌انجامد که جلویان از خشونت دارد.

به عقیده کارشناسان، نسل جدید ممکن است سریع‌تر از مرحله اعتراضی به سمت کتشی‌های خشونت‌آمیز حرکت کند اما ریشه این وضعیت را باید نه در آن‌ها، بلکه در ساختارها و شیوه‌هایی جستجو کرد که خود ما در شکل‌گیری آن نقش داشته‌ایم.

نسل جدید هیستلر و هیجانی
بروین طالبیان، کارشناس آموزش به بررسی دلایل گسترش شکاف میان خانواده مدرسه و نسل جدید می‌پردازد و اعتقاد دارد ناتوانی نظام آموزشی در ایفای نقش اجتماعی و تربیتی، در کنار سردرگمی خانواده‌ها، نوجوانان را در معرض بحران‌های جدی قرار داده است.

او می‌گوید: خانواده‌ها انتقاداتی نسبت به وضع موجود دارند و چون بزرگتراها بین خودشان صحبت‌هایی به مورد متلا وضعیت زندگی می‌کنند، بچه‌ها هم درگیر این مسائل می‌شوند. از آن طرف مدرسه یا به‌طور کلی سیستم آموزشی کشور، ما چتبه اجتماعی والدگری را به اندازه کافی برای دانش‌آموزان ایفانکرده‌است. به عبارت دیگر، به‌دلیل آنکه سیستم فکری خانواده‌ها به مدرسه - جایی که بچه‌ها به‌صورت اجتماعی و حال رشد هستند - متفاوت شده، تلاشی جدی برای نزدیک شدن این دو به هم از نظر فکری صورت گرفته و همین موضوع باعث شده است تفاوت دیدگاه در بچه‌ها نمود و بیرون پیدا کند. طالبیان می‌افزاید: از طرفی، خاصیت این نسل آن است که مشابه بزرگترهای خود عمل و رفتار نمی‌کند. استقلال فکری دارد و خودش

نظام تربیتی از نسل امروز جا ماند؟

سیستم آموزشی است. در سال‌های اخیر به این شکست اذعان کرده‌ایم. کارگرد درویزی برای امروز معنا ندارد در شرایطی که حتی در سواد خواندن و نوشتن هم وضعیت مطلوبی نداریم. در حوزه تربیتی به مراتب عقب‌تریم. این کارشناس آموزش اعتقاد دارد وقتی در گزارش‌ها می‌بینیم بخشی قابل توجهی از یادداشتی‌ها و حتی جان‌باختگان ۱۸-۱۷ ساله هستند، باید توجه داشته باشیم که این‌ها تحت تأثیر هیجانات هستند نه تحلیل سیاسی. این مسأله به یک چالش جدی برای کشور بدل شده است؛ چالشی که سال‌ها ناپدید گرفته شد. خانواده‌ها باید آگهی‌تر شوند و مدارس باید کارکرد اجتماعی و تربیتی خود را نه فقط تقویت بلکه بازطراحی کنند. این کار، نیازمند اقدام جدی و چندجانبه و چارهای‌دیشی واقعی است.

سردرگمی رسانه‌ای و آموزشی
کلی خانواده‌ها اطلاعات و پیش‌شناسی کافی ندارند. این که داده‌هایی که از شبکه‌های مختلف داخلی و خارجی در می‌آید می‌شود تا چه اندازه مبتنی بر واقعیت‌هاست و تفسیرهایشان تا چه حد واقعیت دارد، مسأله‌ای است که مستقیماً روی روح و روان بچه‌ها اثر می‌گذارد.

طالبیان می‌گوید: امروز گفته می‌شود «ایران اینترنشنال» یا رسانه‌های مشابه در واقع اخیر، تأثیرگذار بودند. شاید بخشی از این‌ها چتبه نمایشی داشته باشند، اما این فعل رسانه‌های هستم و می‌توانم چطور می‌شود در مخاطب سوگیری ایجاد کرد.

او می‌افزاید: این تردیها با شدت بیشتری به نسل جدید انتقال یافته و سبب شده است این نسل تصمیم بگیرد دست به اقدام بزند. وقتی مدرسه بچه‌ها را برای جامعه‌پذیری و ورود به جامعه آماده نمی‌کند، طبیعتاً است که آن‌ها تحت تأثیر قرار بگیرند. این تفاوت دیدگاه خانواده و مدرسه به این منتهاست که مدرسه عملاً مسیر خودش را می‌رود، مسیری که در این ۴۰ سال تغییر نکرده است. شاید زمانی این مدل مدرسه برای دانش‌آموزان نسل قبلی قابل‌کارکرد و اثرگذار داشته است، اما برای دانش‌آموز ۹۰ دیگر اثر ندارد.

این کارشناس آموزش اعتقاد دارد: حتی خود بدنه آموزش‌وپرورش هم دچار فرسودگی شده است. مجریان این سیستم اغلب به بسیاری از چیزهایی که بر اساس برنامه‌ریزی‌های آموزشی یا بخش‌ها اجرا می‌شود، باور ندارند. آن‌ها هم یا فرزندان خودشان در همین اجتماع درگیر هستند؛ یعنی آنچه در آموزش‌وپرورش اجرا می‌شود، الزاماً از طرف مجریانش باور پذیر نیست. از طرف دیگر، این نسل ابزارهای متفاوتی در اختیار دارد. آنها با اینترنت به دنیا آمده‌ و رشد کرده‌اند. بنابراین حرف زدن با مدل انبیاات گذشته یا یک نوجوان دهه نودی دیگر، موقیبت‌آمیز نیست. نمی‌تواند اکتفا ایجاد کند. خانواده‌ها هم نمی‌توانند خودشان را با ذائقه فرزندان تطبیق بدهند. هرچند این تغییرات کلی افسارگسیخته شده است. آموزش‌وپرورش اما نتوانسته این تغییرات نسلی را وارد سیستم آموزشی و تربیتی کند. طالبیان نتیجه می‌گیرد: این یک شکست

تربیتی است. در سال‌های اخیر به این شکست اذعان کرده‌ایم. کارگرد درویزی برای امروز معنا ندارد در شرایطی که حتی در سواد خواندن و نوشتن هم وضعیت مطلوبی نداریم. در حوزه تربیتی به مراتب عقب‌تریم. این کارشناس آموزش اعتقاد دارد وقتی در گزارش‌ها می‌بینیم بخشی قابل توجهی از یادداشتی‌ها و حتی جان‌باختگان ۱۸-۱۷ ساله هستند، باید توجه داشته باشیم که این‌ها تحت تأثیر هیجانات هستند نه تحلیل سیاسی. این مسأله به یک چالش جدی برای کشور بدل شده است؛ چالشی که سال‌ها ناپدید گرفته شد. خانواده‌ها باید آگهی‌تر شوند و مدارس باید کارکرد اجتماعی و تربیتی خود را نه فقط تقویت بلکه بازطراحی کنند. این کار، نیازمند اقدام جدی و چندجانبه و چارهای‌دیشی واقعی است.

اشاره

عبور از بحران با دیپلماسی، اصلاحات داخلی و اتحاد ملی

اگر اتحاد ملی بر پایه متغیر ایران شکل بگیرد می‌تواند به پشتوانه‌ای قدرتمند برای پیشبرد دیپلماسی، کاهش فشارهای خارجی و حرکت به سمت توسعه پایدار تبدیل شود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ارمان امروز، عبور از بحران با تکیه بر دیپلماسی، اصلاحات داخلی و اتحاد ملی به‌عنوان یک راهبرد سه‌وجهی در روزهای اخیر از سوی محمدجواد طریف مورد تأکید قرار گرفته است. این ایده بر این اصل استوار است که عبور از شرایط دشوار کنونی نیازمند مجموعه‌ای از تصمیمات دشوار و استراتژیک است. تصمیماتی که تحقق آن‌ها مستلزم فراهم شدن مقدمات بتدبیر در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خواهد بود.

در این چارچوب، تقویت معادله قدرت اجتماعی از طریق افزایش امید عمومی، مقابله با فساد و رانت، شکل‌دهی به اجماع ملی و بازسازی اعتماد عمومی به ظرفیتهای انسانی کشور از جمله محورهای اساسی عنوان شده است. همچنین بر ضرورت فعال‌سازی دیپلماسی مدیریت‌هوشمندانه ظرفیتهای مختلفه ملی و بین‌المللی و بهره‌گیری از تمامی ابزارهای گفتگو و مذاکره به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر سیاست‌گذاری کلان تأکید می‌شود.

به باور طریف، بزرگ‌ترین چالش کنونی نیازمند تصمیمات شجاعانه، عقلانیت جمعی و اراده سیاسی راسخ است. ایران می‌تواند با اتکا به تجربه‌ها، متغیر انسانی مسترده و همدلی ملی، مسیر رفع بحران‌ها را طی کرده و زمینه‌ساز مستحیای به زندگی متعالی و سازنده برای مردم و نسل‌های آینده شود.

راهبرد عبور از بحران بر مبنای خلع دیپلماسی فعال، اصلاحات داخلی و اتحاد ملی استوار است. در این نگاه، اصلاحات داخلی به‌عنوان مکمل سیاست خارجی، نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش رضایت عمومی، تحقق خواسته‌های با‌حق مردم و سامان‌دهی به سیاست‌گذاری داخلی دارد. ایجاد تراز و هماهنگی میان سیاست داخلی و سیاست خارجی در مسیر عقلانیت، مقدماتی برای شکل‌گیری اتحاد ملی و تقویت انسجام اجتماعی ارزیابی می‌شود.

در همین راستا، بخشی از سخنان اخیر مسعود پزشکیان در مرقد امام خمینی نیز بر همین رویکرد دلالت داشته و وی با تأکید بر ضرورت درک واقعی مردم تصریح کرد که صرف سخنرانی برای جامعه کافی نیست و مسئولان باید در عمل نشان دهند که قصد حل مسائل را دارند. از نگاه او، زمانی که مردم احساس کنند ارادمانی جدی برای حل مشکلات وجود دارد، می‌توان با اتکا به ظرفیت اجتماعی، مسیر پیشبرد بسیاری از امور کشور را هموار کرد.

مرضیه وحیدی، استاد دانشگاه با تأکید بر ضرورت بازتعریف مفهوم اتحاد ملی بر پایه متغیر ایران، معتقد است که عبور از شرایط پیچیده کنونی بدون تقویت همبستگی اجتماعی و ایجاد اجماع فراگیر میان نیروهای سیاسی و اجتماعی امکان‌پذیر نیست. به گفته او، اتحاد ملی زمانی معنا پیدا می‌کند که همه جریان‌ها و نهادهای متعلق به ملت در کشور بر این متغیر جمعی و کوتا‌لمت ترجیح دهند و این اصل به یک قاضیه در حکمرانی تبدیل شود.

وحیدی با اشاره به اینکه جامعه ایران از ظرفیتهای انسانی، فرهنگی و تاریخی گسترده‌ای برخوردار است، اظهار می‌کند که بهره‌گیری از این ظرفیتهای عظیم نیازمند تشکیل گری‌فشاری مبتنی بر اعتماد، گفتگو و مشارکت است. از نگاه او، اتحاد ملی صرفاً یک شعار سیاسی نیست، بلکه فرایندی اجتماعی است که از دل تعامل مستمر دولت با مردم و پاسخ‌گویی شفاف به مطالبات عمومی شکل می‌گیرد.

این استاد دانشگاه با بیان اینکه متغیر ایران باید محور اصلی تصمیم‌سازی باشد، تصریح می‌کند: زمانی می‌توان از اتحاد ملی سخن گفت که سیاست‌گذاران‌ها در جهت ارتقای رفاه عمومی، کاهش شکافهای اجتماعی و تقویت انسجام تعلق شهروندان به آینده کشور حرکت کنند. به باور او، اگر مردم احساس کنند که تصمیمات کلان با هدف بهبود زندگی آنان و حفظ متغیر ملی اتخاذ می‌شود، سطح همراهی و مشارکت اجتماعی به‌طور طبیعی افزایش خواهد یافت. وحیدی همچنین بر پیوند میان اتحاد ملی و اصلاحات داخلی تأکید کرده و می‌گوید: اصلاحات ساختاری در حوزه‌های اقتصادی، اداری و اجتماعی نقش مهمی در بازسازی سرمایه اجتماعی دارد. مقابله با فساد، شفافیت در عملکرد نهادهای ایجاد فرست‌های پررنگ، از جمله اقداماتی است که می‌تواند زمینه‌ساز تقویت همبستگی ملی شود. به گفته او، اتحاد ملی زمانی پایدار خواهد بود که همه اقسام جامعه خود را در فرآیند تصمیم‌گیری سهیم بدانند و احساس طردشدگی نداشته باشند. این امر مستلزم تقویت نهادهای مدنی، گسترش فضای گفتگو و پذیرش تنوع دیدگاهها در چارچوب متغیر ایران است.

از نظر او، اگر اتحاد ملی بر پایه متغیر ایران شکل بگیرد، می‌تواند به پشتوانه‌ای قدرتمند برای پیشبرد دیپلماسی، کاهش فشارهای خارجی و حرکت به سمت توسعه پایدار تبدیل شود.

ایران خشک شد. از بس که آب ندارد.